مرور مباحث گذشته؛ سه بخش بحث

مباحثهای که از پارسال داریم، شامل سه بخشی است که مترتب بر هم هستند؛ بخش اول ارائه تفاوت هوش مصنوعی و ماشینهای مجهز به هوش مصنوعی با انسان است. بخش دوم توضیح و تبیین و تدقیق در هوش مصنوعی پایهمحور است. بخش سوم هم تبیین احکام حقوقی و فقهی آن است. قرار شد سه بخش باشد؛ بخش اول این بود که علی ای حال انسان خیلی بیشتر از این هوش مصنوعیای است که جلو میرود. جملهای که از داریوس بود، این بود که هوش مصنوعی هر چه جلو برود به اندازه بچه ده ساله نمیفهمد. خب مقصودی که او از این جمله داشت، روی مبنای فلسفی غیر کامل خودش بود، ولی چون به انسان و واقعیت یک بچه ده ساله مربوط میشود، جملهای است که حتی وارای مقصودی است که او داشته است. یعنی این بچه ده ساله، انسان است که خداوند متعال او را با روح آفریده است و از عالم دیگری به اینجا آمده است و قابلیتهایی دارد که وقتی بشر جلو میرود آن قابلیتها را مییابند. مانعی ندارد که هوش مصنوعی در برخی از جهات و شئونات دنیوی انسان، به این انسان شبیه بشود و بلکه بسیار بالاتر باشد؛ حیوانات به این صورت هستند که در بسیاری از غرائز حیوانی و جهت دنیوی با انسان شریک هستند، ولی همین حیوانات در همین جهت دنیوی مشترک از انسان جلوتر هستند. مثالهای متعددی دارد؛ سادهترینش این است: انسان میدود، اما حال ببینید انسان بالاتر است یا آهو؟! آهو بالاتر است. درست است که انسان میدود؛ انسان اشرف مخلوقات است؛ بله انسان از آهو اشرف است، اما در حیث دویدن که یکی از شئونات دنیوی انسان است، آهو از او جلوتر است. و بسیاری از غرائزی که حیوانات دارند، آنها بسیار قویتر هستند. معروف است که حیوانات زلزله را میفهمند. این همه پیشرفتهایی که بشر به خیال خودش در علم انجام داده است، ولی همین الآن غرائز حیوانات در تشخیص زلزله جلوتر از انسان است. بنابراینی منافاتی ندارد که هوش مصنوعی کاری را خیلی زودتر انجام بدهد؛ یعنی هوش مصنوعی در یک شأنی که مربوط به یک شأن دنیوی از انسان است مثل سائر حیوانات از انسان جلو میزند؛ خب بزند؛ ثم ماذا؟! ولی آن بچه ده سالهای که او گفت - البته روی مبنای خودش گفت؛ مبانیای که در فلسفه پدیدارشناسی غرب هست و مبانی غیر کاملی است - روی آن مبانیای که خودشان دارند، بچه ده ساله را گفت. و الّا قطع نظر از مبنای او، آنچه که خدا به بچه ده ساله داده، خیلی وسیع است. شأن دنیوی او، یک ذره است. میبینید همین بچه خواب میبیند و رؤیای صادقه دارد. میبینید برای همین بچه مکاشفه پیش میآید. میبینید اگر این بچه تصادف کند و به کما برود، وقتی برمیگردد عجائبی میگوید که اصلاً مال این بدن نیست. اگر کسی بخواهد حذف مسأله بکند و عناد در انکار داشته باشد، حرف دیگری است. خلاصه وقتی شواهد زیاد شد، یک روز بشر از این انکارها دست برمیدارد. حال بیایید و بگوید ما میخواهیم پافشاری کنیم و کسانی که از کما برگشتهاند را مدام توجیه کند و مسخره کند، اما در آینده شواهد طوری متراکم میشود که نوع بشر انکار نمیکند. آن وقت میخواهیم چکار کنیم؟ بنابراینی این بشر چیزهایی دارد که خیلی خیلی غامض و باطن و فراتر از این هوش است.

این برای بخش اول بود؛ علی ای حال ما باید در فکر باشیم و شواهد را ثبت و ضبط کنیم و تبیین کنیم و ارائه دهیم برای اینکه انسان اشراقمحوری که ذهنش در این دنیا هبوط کرده، خیلی متفاوت است از آن هوش مصنوعیای که با یک شأن از شئونات پایهای انسان میتوانند آن را بسط بدهند و بلکه از انسان در آن جهت جلوتر بشود و منافاتی هم ندارد. مثل سائر حیواناتی

که در این جهت از انسان جلوتر هستند.

بخش دوم، تبیین این هوش مصنوعی است که به‌صورت پایه‌محور، شئوناتی در آن ظهور می‌کند. تا کجا جلو می‌رود؟ پارسال و امسال مقداری بحث شد.

سوم هم احکام حقوقی آن است. راجع به بخش سوم دو-سه جلسه مباحثه کردیم؛ در ضمان حکمی و مراتب آن، نحوه انشاء حکم، طبیعی بودنش، اقصر الطرق، اینکه ضمان در کجا قرار بگیرد و استقرار پیدا کند و مبادی ضمان می‌تواند چه چیزهایی باشد و اینکه آیا فقط تقصیر است یا ورای آن هم هست یا نه؟ از اینها صحبت شد.

بازبینی #2
ایجاد شده 26 اوت 2025 15:39:12 توسط ... .
به روزرسانی شده 2 اکتبر 2025 13:06:41 توسط ... .